



Analyzing Identity Theories on the Prevention of Recidivism among Prisoners

Atefe Lali¹, Abdolreza Asghari*², Mohammad Mahdi Saghian³

1. Ph.D. Student of Criminal Law and Criminology, Department of Law, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

2. Visiting Associate Professor, Department of Law, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran; Associate Professor, Department of Law, Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad, Iran. (Corresponding Author)

3. Visiting Associate Professor, Department of Law, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran; Associate Professor, Department of Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 651-659

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0003-3695-6330

TELL: +989153130358

Email: dr.abdorezaasghari@yahoo.com

Article history:

Received: 28 Jun 2022

Revised: 22 Agu 2022

Accepted: 25 Sep 2022

Published online: 20 Feb 2023

Keywords:

Identity Theories, Prisoners, Recidivism, Prevention.

ABSTRACT

In the past, when someone committed a crime, the only purpose of punishment was to punish that person. With the passage of time and the progress of human societies and the increase in crime, the experts in this field came to the conclusion that in addition to punishment, sanctions should be used that cause intimidation for the person and others so that they do not repeat the crime in the future. Imprisonment, along with the possible negative effects of technological progress, can be used as a place for training and learning job skills for imprisoned people. If the procedure of the prisons does not change, the prisoners will be ready to commit new crimes after their release by being influenced by each other. One of the bad effects that prison has on convicts is creating a criminal record for a convicted person, who will be deprived of many social rights after release, and will face serious problems even to hire a new job. The main goal of this research is to identify the impact of imprisonment on recidivism by using identity theories and the theoretical foundations of social harms such as anomie, social control, social conflict, labeling, etc. In an attempt to investigate the causes and factors of recidivism, descriptive-analytical methods and library sources have been used in this research. The results indicate that identity theories, especially the influence of people's lifestyle through the creation of emotional cohesion in a person, have a significant relationship with the occurrence of crimes and recidivism of prisoners.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2023 The Authors.

How to Cite This Article: Lali, A; Asghari, A & Saghian, MM (2023). "Analyzing Identity Theories on the Prevention of Recidivism among Prisoners". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 2(5): 651-659.



انجمن علمی فقه‌های تطبیقی ایران

فصلنامه فقه‌های تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌های تطبیقی

دوره دوم، شماره پنجم، اسفند ۱۴۰۱

واکاوی نظریه‌های هویتی بر پیشگیری از تکرار جرم در میان زندانیان

عاطفه لعلی^۱، عبدالرضا اصغری^{۲*}، محمدمهدی ساقیان^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، گروه حقوق، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

۲. دانشیار مدعو، گروه حقوق، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران؛ دانشیار گروه حقوق، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران. (نویسنده مسؤول)

۳. دانشیار مدعو، گروه حقوق، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران؛ دانشیار گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

چکیده

در گذشته هنگامی که شخصی مرتکب جرمی می‌شد، تنها هدف مجازات آن شخص سزادهی بود. با گذشت زمان و پیشرفت جوامع بشری و افزایش جرم و جنایت متخصصان این حوزه به این نتیجه رسیدند که علاوه بر سزادهی باید از مجازات‌هایی استفاده کرده که برای شخص و دیگران سبب ارباب شود تا در آینده جرم را تکرار نکنند. زندانی کردن محکومان به‌عنوان یک مجازات که در کنار آثار منفی احتمالی با پیشرفت تکنولوژی می‌تواند به‌عنوان مکانی جهت آموزش‌دهی و یادگیری مهارت‌های شغلی برای افراد زندانی به کار برده شود. اگر رویه زندان‌ها تغییر نکند زندانیان با تأثیرپذیری از یکدیگر آماده ارتکاب جرائم جدید پس از آزادی خواهند بود. یکی از آثار بدی که زندان بر محکومان دارد، ایجاد سابقه کیفری برای شخص محکوم است که پس از آزادی از بسیاری حقوق اجتماعی محروم می‌شود و حتی برای استخدام شغل جدید با مشکل جدی مواجهه می‌شود. هدف اصلی که این تحقیق دنبال می‌کند شناسایی تأثیر مجازات حبس بر انجام مجدد جرم با استفاده از نظریه‌های هویتی و مبانی نظری آسیب‌های اجتماعی مانند آنومی، کنترل اجتماعی، تضاد اجتماعی، برجسب‌زنی و ... بوده و در تلاش است به بررسی علل و عوامل تکرار جرم بپردازد. در این پژوهش از روش توصیفی- تحلیلی و منابع کتابخانه‌ای استفاده شده است. نتایج حاکی از آن است که نظریه‌های هویتی به‌ویژه تأثیر سبک زندگی افراد از طریق ایجاد انسجام عاطفی در فرد با بروز جرائم و تکرار جرم زندانیان ارتباط معناداری دارد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۶۵۱-۶۵۹

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۰۰۰۰-۰۰۰۳-۳۶۹۵-۶۳۳۰

تلفن: +۹۸۹۱۵۳۱۳۰۳۵۸

ایمیل: dr.abdorezaasghari@yahoo.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۰۷

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۱/۰۵/۳۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۰۳

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۲/۰۱

واژگان کلیدی:

نظریه‌های هویتی، زندانیان، تکرار جرم، پیشگیری.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

اگر بخواهیم عاملی اساسی جهت جلوگیری از تکرار جرم توسط مجرمان معرفی کنیم، مجازات حبس تأثیر به‌سزایی در این مورد دارد. هنگام تدوین مجازات حبس توسط تعیین کنندگان مجازات هدفی را که دنبال می‌کردند صرفاً مجازات‌دهی نبود بلکه به دنبال رسیدن به جامعه با جرائم ارتكابی کمتر بودند به‌نحوی که شخص پس از آزادی علاقه‌ای به انجام مجدد جرم نداشته باشد. با مطالعاتی که بر روی تأثیر زندان برای جلوگیری از تکرار جرم صورت گرفته است نتایج به دست آمده حاکی از آن است زندانی کردن مجرمان تأثیر آرمانی که دولت‌ها دنبال می‌کنند را ندارد. این مورد منحصر به کشور ما نیست. آماری که از این وضعیت در دسترس داریم نشان دهنده تعداد بالای تکرار جرم در کشورهای مختلف جهان است (شیخی منش، ۱۳۸۹: ۴۸). وقتی که زندان آثار ارباب را نداشته باشد، همین امر سبب می‌شود روزانه با توجه به جرائم ارتكابی تعداد زندانیان افزایش یابد و همین امر آثار مالی زیادی را برای دولت دارد. کارمندان زندان هم در صورت بالا بودن آمار زندانیان باید بیش از هر زمانی برای جلوگیری از آشوب و درگیری در زندان آمادگی لازم را در این زمینه داشته باشند.

در صورتی که تعداد زندانیان کم باشد زندان با استفاده از کلاس‌های مهارت آموزی سعی در تربیت اشخاص با عقاید نو و مهارت جدیدی دارد تا پس از آزادی با انجام فعالیت در بازار طبق مهارت به دست آمده به دنبال ارتكاب مجدد جرم نباشد.

در صورتی که زندان به محلی صرفاً برای نگهداری زندانیان و سزادهی آنها تبدیل شود، همین زندانیان با تأثیرپذیری از هم‌دیگر با جرائم جدید آشنا می‌شوند و پس از آزادی به دنبال انجام مجدد جرم خواهند بود این چرخه ادامه دار خواهد بود (اسدی، ۱۳۸۵: ۱۴).

در خصوص اهمیت و ضرورت پژوهش حاضر باید عنایت داشت که نظریه‌های هویتی بر پیشگیری از تکرار جرم در میان زندانیان تأثیرات به‌سزایی داشته است و به‌مثابه تکرار و گسترش جرم، حکومت‌ها و نیز پژوهشگران دانشگاهی در

صدد برآمدند که از روش‌های مکمل و مدرن فراحکومتی و چند ساحتی برای مبارزه و پیشگیری از گسترش جرایم استفاده کنند. یکی از این روش‌ها بهره‌مندی از نظریه‌های هویتی بر پیشگیری از تکرار جرم می‌باشد که ضرورت انجام این تحقیق خاصه در میان زندانیان را دو چندان نموده است.

پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا نظریه‌های هویتی با رویکرد مدرن (دیدگاه تعامل نمادین و دیدگاه شناختی) تأثیر معناداری بر پیشگیری از تکرار جرم زندانیان دارد؟ در ارتباط با فرضیه پژوهش حاضر باید عنایت داشت که نظریه‌های هویتی با رویکرد مدرن (دیدگاه تعامل نمادین و دیدگاه شناختی) تأثیر معناداری بر پیشگیری از تکرار جرم زندانیان دارد.

و در خصوص جنبه نوآوری نسبت به سایر آثار، بر اساس مطالعاتی که در پیشینه پژوهش انجام شد بیشتر مطالعات با یک رویکرد کنترلی به مبحث پیشگیری از تکرار جرم پرداخته‌اند و در تمام این موارد سعی بر آن است تا سیاست‌های دولت و حکومت به گونه‌ای تنظیم شود که مجرمی که از زندان رهایی می‌یابد دیگر به سمت جرم بازنگردد اما در پژوهش حاضر سعی بر آن است تا یک سیاست خودکنترلی را مد نظر قرار دهیم و به بررسی تأثیر نظریه‌های هویت بر پیشگیری از تکرار جرم در میان زندانیان پرداخته است. لذا مقاله حاضر از چند جهت دارای نوآوری است. ۱- تبیین نظریه‌های مختلف در ارتباط با هویت و چگونگی تأثیر آنها بر پیشگیری از جرم؛ ۲- تبیین مهم‌ترین مؤلفه‌های تعیین کننده شکل‌گیری شخصیت زندانیان با استفاده از نظریه‌های هویتی؛ ۳- ارائه راهکارهای کاربردی جهت پیشگیری از تکرار جرم در زندانیان؛ و ۴- ارائه یک تحقیق در قالب یک مقاله غنی از مفاهیم مهم در ارتباط با پیشگیری از جرم در زندانیان.

۱- دیدگاه صاحب‌نظران قبال تکرار جرم در میان زندانیان

صاحب‌نظران حوزه‌های قضایی بر این باورند که مجازات پاسخگوی آثاری که دولت‌ها از اعمال آن در نظر دارند از جمله جلوگیری از تکرار جرم توسط محکومان نمی‌باشد و مجازات زندان آثار بدی از جمله یادگیری جرائم بیشتر

در کشور ایران اقداماتی زیاد برای جلوگیری از تکرار جرم صورت گرفته است و حقوقدانان با ارائه نظریات مختلف به دنبال یافتن راه حلی برای جلوگیری از تکرار جرم توسط محکومان بوده‌اند اما زمانی که شخصی وارد زندان می‌شود، خاصیت برجسب‌زنی که زندان بر روی محکومان اعمال می‌کند تأثیر زیادی بر تکرار جرم توسط فرد مجرم دارد چراکه شخص به‌خاطر سابقه کیفری که پیدا می‌کند حتی در پیدا کردن شغل هم با مشکل جدی روبه‌رو می‌شود و خانواده و جامعه هم نگاهی مجرمانه به شخص دارد. در نتیجه زندانی انگیزه خود را برای زندگی اجتماعی سالم از دست می‌دهد و در صدد ارتکاب مجدد جرم برمی‌آید. اگر به‌جای زندان از مجازات جایگزین حبس همانند انجام خدمات عمومی رایگان استفاده شود احتمال تکرار جرم کاهش پیدا می‌کند (سرلک، ۱۳۹۹: ۲۳).

در سال‌های بین ۱۹۸۰ در کشورهای اروپایی نظریات مختلفی درباره‌ی روش‌های پیشگیری از تکرار جرم ارائه شد. برنامه‌هایی متنوعی در زندان‌ها برای بازپروری محکومان عرضه شد همین تفاوت در دیدگاه‌ها و یکپارچه نبودن روش‌ها سبب شد نتیجه‌ای مطلوبی به دست نیاید. متهم تحت برنامه‌های مختلفی قرار می‌گرفت و هرکدام به‌نحوی بر وی اثر می‌گذاشتند. اگر به‌جای روش‌های متعدد از یک رویکرد یگانه بهره می‌بردند نرخ اصلاح محکومان بالاتر می‌رفت. وقتی روش‌های اصلاحی بر روی محکومان پاسخگوی اجتماعی شدن آنها نشد تصمیم گرفتند که از روش‌های مجازات قدیمی که نتیجه جز آسیب‌های شدید جسمی و روحی برای زندانی نداشت بهره ببرند و رسیدن به اصلاح مجرم را امری غیرقابل دسترسی می‌دانستند. محققان آن دوران بر این باور بودند که عدم نتیجه برنامه‌های ارائه شده از تغییرناپذیری شخص محکوم است که در وجود او رخنه افکننده و هیچ راهکاری برای او مؤثر نمی‌باشد. محققان به مفید بودن رویکردهای ارائه شده باور داشتند همین امر سبب می‌شد که به دنبال تغییر رویه خود نباشند، پس بهترین راهکاری که در آن زمان داشتند استفاده از مجازات‌های بدنی و اعدام بود تا دیگران بترسند و مرتکب جرم نشوند. برای توجیه بازگشت به تنبیه‌های بدنی نتیجه نداشتن برنامه‌های

اشخاص زندانی و ایجاد انگیزه برای ارتکاب مجدد جرم به‌دنبال دارد. به همین دلیل امروزه تأکید بسیاری از قضات بر زندان‌زدایی و استفاده از مجازات‌های جایگزین حبس می‌باشد (آشوری، ۱۳۹۸: ۴۵).

نظریه‌های مختلفی در ارتباط با هویت و چگونگی شکل‌گیری آن بیان شده است. اما بطور کلی نظریه‌های هویت در قالب نظریه‌ای مدرن و پسامدرن توصیف شده‌اند. در رویکرد مدرن تعریف هویت به‌وسیله عواملی از قبیل موجود طبیعی، روانی و یا اجتماعی بیشتر مد نظر هست که در این رابطه نظریه‌های جامعه‌شناسان در ارتباط با هویت، ساخته و پرداخته زمان و مکان است و در دیدگاه تعامل نمادین تبلور می‌یابد یا نظریه‌های روان‌شناسان که به فرآیندهای روانی شخص، نقش ضروری در ساخت و پرداخت هویت ایفا می‌کند که این نظریه‌ها عمدتاً با دو دیدگاه شناخت همپوشانی دارد. به‌طورنمونه چند نظریه مختلف در ارتباط با هویت و شکل‌گیری هویت را بیان می‌کنیم: اریکسون هویت را احساس همانندی، تداوم، یکتایی و استقلال فردی می‌داند که از باور وی در زمینه هدف‌ها، ارزش‌ها و تصویر بدنیش سرچشمه می‌گیرد (تاجیک، ۱۳۹۴: ۸).

از منظر گیدنز شکل‌گیری هویت را به‌عنوان فرایندهای دائمی تکامل معنی‌سازی می‌نگرد. او هویت را به‌عنوان یک فرایند کلی نظریه رابرت کیگان می‌داند که شناخت و عاطفه را با هم در بر می‌گیرد. شکل‌گیری هویت درباره این موضوع است که چگونه آنچه که به‌عنوان خود ساخته می‌شود از بین رفته و دوباره شکل می‌گیرد. به عبارت دیگر تشکیل هویت یا معناسازی فرایندی است مداوم که در آن مرزهای بین خود و دیگران ساخته می‌شود، از بین می‌رود و اصلاح می‌شود. خود یا فاعل برای کیگان یک چارچوب روانی اطلاق می‌گردد که فرد در آن جا دارد؛ نمی‌تواند از آن فاصله بگیرد و از وجود آن، آگاه نیست. مفعول به پدیده‌هایی کلی‌تر از نظام روانی فرد مربوط است که در مرحله قبلی تحول خود بر فرد کاملاً مسلط بوده و جنبه ناهشیار است، اما در مرحله بعدی تحول خود در اختیار فرد قرار گرفته و فرد به آن هشیاری پیدا می‌کند (گیدنز، ۱۳۹۵: ۸۹).

شود تلاشی در جهت بهبود و تغییر این رویکردها صورت نگیرد (Palmer, 1975:134).

۲- جایگاه مراقبت بعد از زندان در پیشگیری از تکرار جرم

پیشگیری صرفاً در زندان کارساز نبوده و نخواهد بود و زندانی بعد از خروج از زندان نیازمند مراقبت و نظارت است. مراقبت بعد از خروج به مرحله بعد از تحمل و اجرای کیفر زندان اطلاق می‌شود و شاید بتوان این مرحله را با دوره نقاهت در علم پزشکی مقایسه کرد. همان‌طور که می‌دانیم جرم‌شناسی بالینی از اصول چهارگانه علم پزشکی تبعیت می‌کند که عبارت است از: ۱- مشاهده، ۲- تشخیص، ۳- تجویز، ۴- اعمال نسخه. گروهی مرحله پنجمی را نیز مطرح می‌کنند که عبارت است از نظارت بر دوران نقاهت که در علم اداره زندان‌ها از آن می‌توان به «مراقبت بعد از خروج» تعبیر کرد. شناسایی نظریه‌های جرم‌شناختی از بررسی زمینه شکل‌گیری، ضرورت، اصلاح و درمان و پیشگیری از تکرار جرم و نیز انواع راهکارهای متصور در این مرحله جدا نیست. همان‌طور که در بالا اشاره شد، می‌توان جرم‌شناسی بالینی را خاستگاه مرحله پساکیفری دانست. تکرار جرم به‌عنوان یکی از مظاهر حالت خطرناک جوامع مختلف را به موضع‌گیری‌های متنوعی واداشته است. امروزه بررسی عواملی که سبب می‌شود اشخاص به سمت ارتکاب جرم بروند که شامل فقر، وضعیت خانوادگی و شخصیت فرد که در خانواده وی شکل گرفته است نتایج بهتری برای به‌کار بردن در برنامه‌های بازپرورانه داشته است، علاوه بر برنامه‌های اصلاحی زندان‌ها شخص محکوم پس از گذراندن دوران محکومیت خود باید در بیرون از زندان و جامعه هم شرایط مناسب زندگی داشته باشد تا انگیزه‌ای او برای اجتماعی شدن باقی بماند. اگر فرد پس از آزادی به‌خاطر سابقه کیفری در جامعه طرد شود و برای به‌دست آوردن شغل مناسب با مشکل مواجهه شود انگیزه وی برای تکرار جرم افزایش می‌یابد. در گذشته روش مجازات‌های بدنی به‌کار برده می‌شد که هدفی جز ترسیدن افراد بیرون از زندان برای تکرار جرم نداشتند.

اصلاحی را بهانه خود قرار می‌دادند و بر این باور بودند که استفاده از روش‌های بازپروری امری بی‌فایده است و نتیجه‌ای جز بار مالی برای دولت دارد نخواهد بود. حال آنکه باید برنامه‌های اصلاحی با توجه به شخصیت مجرم بر روی وی اجرا می‌شد. نمی‌توان انتظار داشت که یک برنامه برای انسان‌های متعدد با شخصیت‌های گوناگون اثری یکسان داشته باشد. متهم باید در مرحله اول تحت مشاوره‌های روان‌شناسی قرار می‌گرفت تا ذهن او آماده پذیرش دیدگاه‌های جدید باشد. نظریات این اشخاص سبب شد که رویکرد دستگاه قضایی در آن دوران به سمت استفاده از روش‌های مجازات شدید برای ایجاد هراس بین محکومان و جلوگیری از تکرار جرم بود. نتایجی که از این روش‌ها به‌دست آمد نشان دهنده‌ای کاهش ورودی زندان‌ها نبود بلکه با گسترش جوامع بشری و افزایش جمعیت منافع انسان‌ها در تعارض با هم قرار می‌گرفت همین امر سبب افزایش درگیری میان افراد و افزایش جرم و جنایت در جامعه می‌شد. وقتی که دستگاه قضایی از این راهکار هم نتیجه به‌دست نیاورد به این نتیجه رسیدند که عدم اثرگذاری برنامه‌های اصلاحی قبل شاید به‌دلیل عدم پختگی آنها باشد. برای توجیه بازگشت خود به سزادهی از این روش استفاده می‌کردند که استفاده از روش‌های ترکیبی مجازات بر روی محکومان که شامل روش‌های سزادهی محکومان و اجرای برنامه‌های اصلاحی می‌تواند آثار بهتری بر روی کاهش نرخ جرم داشته باشد. زیرا عدم استفاده از مجازات بدنی سبب می‌شود که مردم از مجازات واهمه نداشته باشند و انگیزه آنها برای ارتکاب جرم افزایش یابد. هر کشوری با توجه به موقعیت جغرافیایی و فرهنگ موجود در جامعه باید از روش‌های اصلاحی مخصوص به خود استفاده کند که این روش‌ها با تحقیقاتی بر روی عوامل جرم‌زا باید به موقع اجرا گذاشته شود. استفاده از روش‌های یک کشور برای دیگر جوامع نمی‌تواند آثار خوبی داشته باشد. این امر ناشی از تفاوت فرهنگی جوامع بشری می‌باشد، تاکنون هیچ نظریه ارائه نشده است تا تحقیقاتی در زمینه مؤثر بودن فعالیت‌های بازپرورانه انجام دهد همین امر سبب می‌شود که نظریه‌های منتقدانه‌ای به این روش‌ها ارائه

۱-۲- فرآیند مستمر و هدفمند اصلاح مجرمین بعد از رهایی از زندان

اصلاح مجرمین فرآیند مستمر و هدفمندی است که در تمامی مراحل فرآیند کیفی قابلیت تحلیل می‌یابد. این تفکر که اصلاح و درمان مجرمین در مرحله اجرای مجازات زندان خالصه شده و اتمام می‌یابد چندان به صواب نبوده و امروزه در نزد تصمیم‌گیرندگان سیاست جنایی رنگ باخته است به طوری که در سیستم اصلاحی کشورهای پیشرفته دوره آزادی و مرحله خارج از محیط زندان نقشی کلیدی را در این راستا دارا می‌باشد. در واقع سیاست‌های اصلاحی محیط زندان یک طرف قضیه است لکن طرف دیگر قضیه این است که فرد با ورود به اجتماع سیاست‌های ویژه‌ای را می‌طلبد تا مرحله پایانی اصلاح وی به طور شایسته‌ای اتمام یابد و تلاش‌های صورت گرفته در مرحله قبل لوٹ نگردد (ابراهیمی و ایزدی، ۱۳۹۲: ۸).

با وجود اینکه روزانه بر تعداد زندانیان افزوده می‌شود و همین امر سبب افزایش بار مالی برای دستگاه قضایی خواهد شد؛ اما رسیدن به اهداف بازپرورانه با منشأ داشتن جامعه‌ای سالم با تعداد جرائم کمتر سبب می‌شود که دولت‌ها با افزایش زیر ساخت زندان‌ها و استخدام افرادی جهت مشاوره به زندانیان جهت تبدیل شدن به یک عنصر اجتماعی در جامعه به دنبال رسیدن به هدف‌های بالاتری باشند. اگر تکرار جرم افزایش یابد روزانه بر جمعیت زندان‌ها افزوده می‌شود. اگر جنبه‌ای مالی این موضوع را نادیده بگیریم شخصیت انسان‌ها به عنوان مهم‌ترین سرمایه‌های جامعه برای دولت انگیزه‌ای مهم جهت افزایش برنامه‌های اصلاحی خواهد بود (ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۱۵۱).

یکی از رشته‌های تحقیقی که مطالعات فراوانی بر روی انواع جرم و روش‌های پیشگیری از تکرار جرم انجام داده است جرم‌شناسی می‌باشد که هدف اصلی خود را تبدیل محیط زندان به یک مرکز آموزشی برای بهبود زندانیان می‌داند در غیر این صورت زندان را محیطی برا فراگیری جرم‌های جدید معرفی می‌کند. تغییر افکار و علایق محکومان از جمله روش‌هایی می‌باشد که جرم‌شناسی جز جدایی‌ناپذیر اصلاح

محکومان می‌داند. اجرای برنامه‌های آموزشی در زندان به منظور فراگیری مهارت‌های جدید سبب می‌شود هم زندان به‌عنوان یک کارگاه مفید در تولید جامعه اثر داشته باشد و هم شخص زندانی فرصت یادگیری مهارت برای عرضه در جامعه خواهد داشت. از راستای همین مهارت شخص محکوم صاحب شغل می‌شود و به‌عنوان شخصی مفید و اجتماعی از تکرار جرم خودداری می‌کند. جرم‌شناسی با تحقیقاتی که در این زمینه انجام می‌دهد نقش فعالی در زمینه کاهش جمعیت زندان و تبدیل زندان‌ها به محیطی آموزشی ایفا می‌کند. تدوین کنندگان مجازات‌ها نیز هنگامی که برای شخصی مجازات حبس در نظر می‌گیرند نقش جرم‌شناسی را بسیار پر رنگ می‌دانند و برای اصلاح محکومان بر اجرای برنامه‌های اصلاحی ارائه شده توسط جرم‌شناسان تأکید می‌کنند. شخصی که آزادی وی با حبس گرفته می‌شود باید از این مدت بهره‌برد و هنگام آزادی به یک عنصر مفید اجتماعی تبدیل شده باشد (ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۱۵۲).

دستگاه قضایی مجازات حبس را برای اشخاصی به کار می‌برد که از فرصت‌های موجود در جامعه جهت بهبود وضعیت اقتصادی خویش یا جامعه بهره نمی‌برند و به‌عنوان عنصری مضر سعی در انجام فعالیت‌های غیر قانونی دارند این اشخاص توسط جامعه طرد می‌شوند و در محل مناسبی نگه داری می‌شوند تا با استفاده از روش‌های روان‌شناسی و فعالیت‌های بازپرورانه‌ای که در زندان برای آنها اعمال می‌شود از انجام مجدد جرائم خوداری کنند. حال آنکه نتایج به‌دست آمده از مطالعاتی که تأثیرات زندان بر روی محکومان را بررسی می‌کند حاکی از آن است که فعالیت‌های بازپرورانه تأثیر صددرصدی برای جلوگیری از تکرار جرم ندارند. شاید لازم باشد در کنار این تصمیمات برای دوران پس از آزادی محکومان هم برنامه‌های جهت پذیرش در جامعه در نظر گرفته شود تا شخص بتواند مهارت‌های آموخته شده را به مرحله اجرا دربیآورد. آنگاه مهارت‌های بازپرورانه نتواند تأثیرات مثبت خود رأی بر روی محکومان بگذارد شخص زندانی با تأثیرپذیری از دیگر زندانیان و آشنایی با روش‌های جدید ارتکاب جرم به عنصری ضد اجتماعی تبدیل شده و پس از آزادی مرتکب جرائم بیشتری خواهد شد. زندان‌ها دائماً در

حال تغییر و تحول هستند تا بتواند پاسخگوی نیازهای جامعه برای اصلاح محکومان باشند.

رچسبی که زندان برای محکومان به دنبال دارد، زمینه‌ساز مشکلات بسیاری برای شخص محکوم خواهد بود. شخص پس از آزادی از زندان مورد اعتماد مردم قرار نمی‌گیرد و وقتی جامعه تغییر شخص را باور نداشته باشد، انگیزه‌ای فرد برای ادامه تغییر از بین می‌رود. شخصی که مجازات حبس را تجربه کرده است از نظر روانی مشکلات فراوانی را در زندان تحمل کرده است. اگر جامعه این سختی‌ها را نادیده بگیرد و به‌عنوان همان مجرم قبلی به زندانی نگاه کند، زمینه انجام مجدد جرم را برای فرد فراهم می‌کند. رسانه‌ها باید با انتشار محتوای مناسب جهت تغییر در افکار مردم نسبت به زندان موفق عمل کنند، شخص پس از آزادی با مشکلات کمتری مواجه خواهد شد. شخص محکوم پس از آزادی نیازمند حمایت خانواده و جامعه است تا بتواند با یافتن شغل مناسب برای امرار معاش خود نیاز به انجام کارهای غیر قانونی نداشته باشد. امرار معاش باعث می‌شود شخص انگیزه خود را برای ارتکاب جرم از دست دهد و فرصت برای ارتکاب جرم نداشته باشد. چنانچه زندانی پس از آزادی محکومان با در اختیار گذاشتن امکانات لازم همانند فراهم کردن محلی برای کار این اشخاص به همان‌صورت که در زندان‌ها شغل داشتند یا تأمین اعتبارات مالی برای راه‌اندازی شغل مناسب با گرفتن تضمین از زندانی سبب می‌شود زندانیان برای اجرای مهارت‌های آموخته شده در زندان از آنها حمایت کند رسالت باز پرورانه خود را به‌طور کامل انجام داده است (زاهرو خواجه و دلربائی فرد، ۱۳۹۰: ۲۸).

مسئولیت مهمی که خانواده زندانیان پس از آزادی بر عهده دارند این است که بعد از پایان دوره محکومیت شخص زندانی تغییر او را بپذیرند تا امید و انگیزه‌ای او برای داشتن زندگی سالم از بین نرود. مهم‌ترین افرادی که می‌توانند حمایت همه‌جانبه‌ای از محکوم آزاد شده داشته باشند خانواده و دوستان فرد محسوب می‌شوند زیرا زندانی تمایل بیشتری برای ارتباط با این اشخاص خواهد داشت در صورتی که خانواده شخص از پذیرش او سر باز زنند و شخصیت اجتماعی

شده او را نپذیرند؛ این امر سبب می‌شود که زندانی با افرادی که در طول دوره محکومیت آشنا شده بود و آنها هم از طرف خانواده طرد شده‌اند رابطه دوستانه برقرار کند که همین سبب می‌شود به‌صورت گروهی انگیزه بیشتری برای ارتکاب جرم داشته باشند و میزان فعالیت‌های مجرمانه آنها افزایش پیدا کند چراکه از هم تأثیر می‌پذیرند و دلیلی که امید برای ترک این رفتار باشند را در وجود خود پیدا نمی‌کنند.

هنگامی که شخص مورد حمایت خانواده قرار می‌گردد و از طرف جامعه طرد نمی‌شود علاقه وی به ارتکاب رفتارهای مجرمانه‌ای که نتیجه‌ای جز حبس ندارند از بین می‌رود و در صدد یافتن شغل مناسب و مدیریت زندگی خویش بر می‌آید. دستگاه قضایی برای کمک به زندانیان پس از آزادی بهتر است که مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی را برای مجرمان اصلاح شده اعمال نکند چراکه شخص پس از آزادی هیچ تفاوتی در خود با دوران حبس نمی‌بیند. از داشتن شغل مناسبی که سبب شود انگیزه او برای ارتکاب جرم از بین رود محروم می‌شود. همین عوامل زمینه‌ساز انجام مجدد جرم خواهند بود. اگر حمایت از زندانیان به‌صورت جلب رضایت صاحبان مشاغل باشد با ارائه تضمین‌های مناسب یا اجرای دوره‌های آموزشی باعث شوند این افراد از پذیرش اشخاصی که داری سابقه کیفری می‌باشند خودداری نکنند گام بزرگ در جهت اصلاح محکومان برداشته‌اند. مسأله شغل از اهمیت بالایی برخوردار است اگر شخص شغلی نداشته باشد و همواره توسط جامعه سرکوب شود برای امرار معاش خود به شغل‌های کاذب یا مشاغلی که رفتار مجرمانه اون را تحریک می‌کنند روی می‌آورد. اگر کیفرشناسی عواملی که سبب می‌شوند شخص بعد از آزادی به سمت ارتکاب مجدد جرم برود را شناسایی کند و در اختیار دستگاه قرار دهد زمینه‌ای ارتکاب مجدد جرم را از بین می‌برد سرمایه‌گذاری در این راه اهداف بلند مدت را محقق می‌کند. اگر این روش‌ها به‌درستی انجام شود، جمعیت زندان‌ها کاهش پیدا می‌کند و فرصت برای ارائه خدمات بیشتر به زندانیان فراهم می‌شود. در این صورت می‌شود بر این باور بود که تکرار جرم از بین رفته است یکی از عوامل از بین رفتن انگیزه مجرمان برای عدم تکرار جرم این است که در برخی موارد صدور حکم زندان برای مدت

نتیجه‌گیری

جرم‌شناسان برای جلوگیری از ارتکاب جرم در جامعه علاوه بر راهکار مجازات شخص به دنبال شناسایی عوامل جرم‌زا در جامعه هستند. فقر یکی از عوامل بسیار قوی جهت ارتکاب جرم می‌باشد شخص برای امرار معاش خود و خانواده‌اش دست به هر اقدامی می‌زند. با ریشه کن کردن عوامل جرم‌زا در جامعه جرمی صورت نمی‌گیرد تا قانون مجازات حبس را برای اشخاص اعمال کند. در صورتی که اقدامات پیشگیرانه تأثیر زیادی در ارتکاب جرم نداشته باشند، کیفرشناسان مجازات حبس را برای پیشگیری اعمال می‌کند تا هم شخص زندانی از ارتکاب جرم خودداری کند هم با ارباب دیگران به سمت ارتکاب جرم نروند. استفاده از مجازات زندان جهت جلوگیری از تکرار جرم و به‌عنوان عوامل پیشگیری تأثیرات منفی برای جامعه دارد.

شخص زندانی تحت تأثیر فشار روانی در زندان قرار می‌گیرد این امر از درگیری که بین زندانیان بصورت مداوم صورت می‌گیرد آشکار می‌شود، و پس از آزادی وقتی نگاه مجرمانه جامعه را به خود می‌بیند انگیزه خود را برای زندگی سالم اجتماعی از دست می‌دهد پس نتیجه می‌گیریم زندان در رسیدن به اهداف باز پرورانه‌ای که برای زندانیان اعمال می‌کرد نتیجه مثبتی نگرفته است. شخص زندانی در زندان با روش‌های تخصصی ارتکاب جرم آشنایی پیدا می‌کند و دیگر زندانیان همانند یک معلم تجربه‌های کیفری خود را به دیگران آموزش می‌دهند که سبب می‌شود زندانی پس از آزادی با ارتکاب جرائم مجدد و به‌صورت حرفه‌ای تحت تعقیب کیفری قرار گیرد، وقتی یکی از اعضای خانواده وارد زندان می‌شود سبب می‌شود قبح این عمل در میان آن خانواده از بین برود و فرزندان با تأثیرپذیری از او به سمت ارتکاب جرم بروند چراکه ارتکاب جرم و ورود به زندان در میان اعضای آن خانواده مقبولیت پیدا کرده است. شخصی که به دلیل اختلاف حساب مالی وارد زندان می‌شود و در جمع مجرمان خطرناک قرار می‌گیرد، با روش‌های ارتکاب جرم آشنا می‌شود و پس از آزادی تأثیرات منفی زندان تا مدت‌ها همراه وی خواهد بود. گاهی این امر شخص را به یک مجرم تبدیل می‌کند و مجدد وارد محیط زندان می‌شود. گاهی

طولانی سبب می‌شود همسر شخص به صورت غیابی طلاق بگیرد و حضانت اولاد شخص را هم از او بگیرد در این صورت محکوم یک شخص سرخورده می‌شود که انگیزه‌های خود را از دست داده است. نتیجه‌ای که به‌دست می‌آید نشان دهنده این امر است که در صورتی که شخصی به مجازات حبس محکوم شود در زندان بر اساس برنامه‌های اصلاحی و بازپرورانه ارائه شده از تحقیقات جرم‌شناسی تحت مراقبت قرار می‌گیرد. زندان امروزه صرفاً محلی برای نگهداری مجرمان نیست بلکه مجرمان به‌عنوان مددجو تحت حمایت قرار می‌گیرند و از برنامه‌های آموزشی و اصلاحی زندان بهره می‌برند. بعد از پایان دوره محکومیت، مسؤلیت حمایت از مددجو بر عهده خانواده قرار می‌گیرد که شخص را به‌عنوان مددجو اصلاح شده تشویق کنند و جامعه برچسب پیشینه کیفری را از شخص جدا کند. شغل به‌عنوان یک عامل مهم تأثیر فراوانی بر عدم تکرار جرم دارد امروزه صاحبان مشاغل شرط استخدام را فقدان پیشینه کیفری می‌دانند. این فاکتور مهم تأثیر زیادی بر زندگی مددجویان دارد، شخص بدون شغل انگیزه خود را برای زندگی سالم از دست می‌دهد و برای امرار معاش خود دست به فعالیت‌های مجرمانه می‌زند. اگر در دوران آزادی از شخص زندانی حمایت صورت نگیرد وهمچنان به سمت ارتکاب جرم می‌رود همین امر سبب می‌شود که منتقدان فعالیت‌های باز پرورانه را مؤثر ندانند اما حقیقت امر حاکی از آن است که باید در زمینه شخصیت افراد زندانی تحقیقات صورت بگیرد تا مشخص شود جامعه‌ستیزی آنها ریشه در چه چیزی دارد. همچنین چه عواملی در جامعه سبب می‌شوند که شخص به ارتکاب جرم تحریک شود. زندان تأثیرات منفی فراوانی بر روی محکومان دارد دوری از خانواده و قضاوت‌های اطرافیان سبب می‌شود شخص احساس سرخورده‌گی کند و امید خود را برای تغییر از دست بدهد. زندانی‌ها مدت طولانی در کنار هم زندگی می‌کنند و بر روی یکدیگر اثرات متقابل می‌گذارند. اگر شخص در زندان مشغول مهارت آموزی و تحت مشاوره‌های روان‌شناسی قرار بگیرد، تأثیر منفی زندان کاهش پیدا می‌کند.

- آشوری، محمد (۱۳۹۸). جایگاه زندان در سیاست کیفری جهان معاصر مجموعه مقالات راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان. تهران: نشر میزان.

- تاجیک، محمدرضا (۱۳۹۴). روایت غیرت و هویت در میان ایرانیان. تهران: فرهنگ گفتمان.

- راهرو خواجه، علی اصغر و دلربایی فرد، لیلا (۱۳۹۰). «نقش مراکز مراقبت بعد از خروج در پیشگیری از تکرار جرم». مجله اصلاح و تربیت، ۱۱۴: ۲۷-۳۲.

- سرلک، عادل (۱۳۹۹). «مروری بر نقش عوامل خانوادگی، اجتماعی و اقتصادی در بازگشت مجدد زندانیان به زندان در حقوق کشور ایران». اولین کنفرانس ملی حقوق علوم اجتماعی- انسانی- روان‌شناسی و مشاوره، تهران.

- شیخ منش، مجتبی (۱۳۸۹). رابطه بین سابقه و میزان تحمل حبس و تکرار جرم. پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی. تهران: دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز.

- گارو، فالو (۱۳۹۹). مطالعات علمی و نظری در حقوق جزا. تهران: انتشارات مجد.

- گیدنز، آنتونی (۱۳۹۵). جامعه‌شناسی. تهران: نشر نی.

ب. منبع انگلیسی

- Palmer, T (1975). "Martinson Revisited". *Journal of Research in Crime and Delinquency*, No.12.

شخص به‌خاطر مشکلات مالی_خانوادگی در تنگنا قرار می‌گیرد و برای خروج از این فشار دست به جرائم کوچک می‌زند تا در زندان جایی برای خواب داشته باشد اگر این شخص تحت تأثیر زندانیان حرفه‌ای قرار بگیرد پس از آزادی به عنصر ضد اجتماعی تبدیل شده و مجدداً به‌دلیل ارتکاب جرم وارد زندان می‌شود. افزایش جمعیت کیفری سبب می‌شود که می‌شود مقدار زیادی از اعتبارات دولت صرف هزینه نگهداری از محکومان شود.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: نگارش مقاله به‌صورت مشترک توسط نویسندگان انجام گرفته است.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

- ابراهیمی، شهرام و ایزدی، عبدالله (۱۳۹۲). «مطالعه

تطبیقی راهبردهای اصلاحی خارج از محیط کیفری ایران و کانادا». مجله حقوقی دادگستری، ۸۴: ۷-۴۰.

- ابراهیمی، شهرام (۱۳۹۱). «بازپروری عادلانه مجرمان». مجله آموزه‌های حقوق کیفری، ۳: ۱۵۱-۱۷۶.

- اسدی، احمد (۱۳۸۵). به سوی جایگزین‌های نوین؛ نقدی بر مجازات حبس. تهران: انتشارات کوهسار.